

## بازتاب نمادها و نشانه‌های ماندالا در داستان مصور کودک و نوجوان

### چکیده

ماندالا یکی از مهم‌ترین کهن‌الگوهای یونگ است که با برخی اعداد، اشکال هندسی و مفاهیم ارتباط دارد. مهم‌ترین مضمون آن وحدت و برجسته‌ترین شکل هندسی آن، دایره می‌باشد که می‌توان نمود آن را در هنر و ادبیات مشاهده کرد. نویسندگان داستان‌های کودک و نوجوان از کهن‌الگوهای اساطیری به‌عنوان ابزاری برای غنای داستان‌های خود بهره‌برده‌اند. ماندالا یکی از این کهن‌الگوهاست که در داستان‌های کودک و نوجوان مورد استفاده قرار گرفته‌است. با توجه به این که نویسندگان کودک و نوجوان گرایش زیادی به اساطیر دارند و لازم است با دیدی علمی به استفاده از این ابزار کارآمد پرداخته‌شود، در این مقاله سعی شده‌است به روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای بازتاب ماندالا در داستان‌های کودک و نوجوان بررسی شود. به‌همین منظور ابتدا ماندالا به‌صورت مختصر تعریف شده و سپس این نوع کهن‌الگو در داستان‌های کودک و نوجوان مورد تحلیل قرار گرفته‌است. به‌نظر می‌رسد ماندالا در داستان‌های کودک و نوجوان در قالب نمادهایی مانند زمان، ماه، خورشید، غار، چشمه، اعداد و دایره بیان شده‌است.

### اهداف پژوهش:

۱. ارائه تحلیل الگوهای ماندالا در ادبیات داستانی کودک و نوجوان

۲. بررسی کارکرد ماندالا در ادبیات کودک و نوجوان

### سؤالات پژوهش:

۱. ماندالا به چه شکل‌هایی در ادبیات داستانی کودک و نوجوان بروز یافته است؟

۲. حضور ماندالا در ادبیات کودک و نوجوان چه کارکردی دارد؟

**واژگان کلیدی:** داستان کودک و نوجوان، اسطوره، کهن‌الگو، ماندالا.

انقلاب بزرگ یونگ در روان‌شناسی تأثیر عمیقی بر دانش‌های مختلف به ویژه در حوزه علوم انسانی گذاشته و این تأثیر کماکان ادامه دارد. بخش عظیمی از فرایند آفرینش آثار ادبی به حوزه ناخودآگاه ارتباط پیدا می‌کند. ناخودآگاه قسمت بزرگی از روان آدمی را تشکیل می‌دهد که خودآگاهی در برابر آن بسیار کوچک جلوه می‌نماید. کهن‌الگو یا آرکی تایپ به حوزه ناخودآگاه مربوط می‌شود و منشأ آن حافظه‌ی جمعی انسان هاست. حافظه جمعی، میراث عظیم گذشتگان را در خود جای داده است. کهن‌الگوها یا صور مثالی، نمادی است که در سرزمین ناخودآگاه، فرمانروایی را در دست دارد. از مهم‌ترین این کهن‌الگوها، ماندالا است؛ ماندالا به معنای ذات، جوهر، وحدت، دایره‌های تو در تو و دایره است. یونگ در فصلی مهم از کتاب انسان و سمبل‌هایش به این کهن‌الگو پرداخته و آن را نماد تمامیت و وحدت معرفی نموده است. هم‌چنین ماندالا را می‌توان در ژرفای متن‌های ادبی جستجو کرد. ادبیات کودک و نوجوان به پهنه عظیمی از این حیطه که بکر و راه‌نیافته است، رهنمون می‌شود. به همین منظور در این پژوهش سعی شده است با دیدی توصیفی و تحلیلی به بررسی حضور ماندالا در داستان‌های کودک و نوجوان پرداخته شود. ماندالا هم به صورت ظاهری در قالب نمادهای دایره‌ای مانند چاه، ماه، خورشید، غار، توپ و حتی اعداد هم به صورت چرخه‌های دایره‌ای شکل مانند زمان اسطوره‌ای در داستان‌های کودک و نوجوان بروز یافته است. نمادهای ماندالایی علاوه بر ایجاد مضمون باعث وحدت ساختاری و عمق در داستان‌های کودک و نوجوان گردیده و مخاطبان خود را با بسیاری از بن‌مایه‌های اساطیری آشنا نموده است.

بررسی پیشینه این موضوع نشان می‌دهد در مورد ماندالا در متون ادبی فارسی تاکنون مقالاتی نوشته شده است. مثلاً بهروز اتونی در «نگاره ماندالا، ریختار اسطوره، حماسه اسطوره‌ای و عرفان» (۱۳۸۹) به تحلیل نگاره‌های ماندالایی در اسطوره و عرفان پرداخته است. جهانگیر صفری در بخشی از مقاله «بررسی برخی از کهن‌الگوها در اشعار احمد شاملو» (۱۳۸۵) به حضور ماندالا در اشعار شاملو اشاره کرده است. هم‌چنین صغری سلمانی‌نژاد مهرآبادی در «واکاوی اشکال کهن‌الگوی ماندالا و نماد کمال در ناخودآگاه قومی طاهره صفارزاده» (۱۳۹۳) به تبیین ماندالا در اشعار طاهره صفارزاده پرداخته است. اما تا جایی که نگارنده جستجو نموده تاکنون در مورد حضور ماندالا در داستان‌های کودک و نوجوان تحقیق منسجمی انجام نشده است و از این نظر انجام پژوهشی در این مورد ضروری می‌نماید. این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و مبتنی بر جمع‌آوری و دسته‌بندی اطلاعات به روش توصیفی می‌باشد. برای اثبات نتایج تحقیق پس از ارایه‌ی تعاریفی از ماندالا و کارکرد اسطوره‌ای آن، داستان‌های کودک و نوجوان از دیدگاه اسطوره‌ای مطالعه شده است. با توجه به حجم بالای داستان‌ها در این مقاله سعی شده تا داستان‌های نویسندگانی مانند محمدرضا یوسفی، فریبا کلهر، سید علی‌اکبر و علی سلامی که در آن‌ها اسطوره ماندالا نمود بیشتری دارد، با دقت مطالعه شده و نمونه‌های استخراج شده با اصول این اسطوره تحلیل شود.

## نتیجه گیری

انسان از آغاز آفرینش و در مسیر خود برای حل معماهای موجود در خلقت همواره به دنبال برساختن نمادها و معانی از دنیای اطراف خود بوده است. برخی از این نمادها به لحاظ عمق و سازندگی تا عصر حاضر نیز امتداد یافته‌اند. ماندالا یکی از کهن الگوهایی است که دارای پیشینه تاریخی است. ماندالا یک شکل هندسی مقدس بوده که نشان‌دهنده‌ی ساختمان روح و طبیعت به هم آمیخته‌ی جهان می‌باشد. ماندالا از عناصر بی‌شماری تشکیل شده که به سمت مرکز و وحدت در حرکت است. بنابراین هر ماندالا چیزی نیست جز اعداد و اشکالی نامتناهی که نمایانگر مرکزیت جهان است و گسترش ظاهری آن آگاهی از تجربه‌ی انسان. جست و جویی است برای یافتن مرکز. هسته، نقطه‌ی کانونی برای هر چیز. نتیجه‌ی این سفر، بازگشت نهایی ما به مرکز، فقط راه‌ها ممکن است متفاوت باشند.

حضور ماندالا در داستان‌های کودک و نوجوان القاکننده چنین مفاهیمی است. زمان دایره‌ای در این داستان‌ها نمودی از بی‌مرگی و عدم حرکت است. انسان در این زمان از یک مبدأ حرکت می‌کند و دوباره به همان مبدأ بازمی‌گردد. رفتن شخصیت‌ها به درون چاه‌ها و غارهای دایره‌ای شکل به نوعی تجلی فرو رفتن شخصیت‌ها به درون زهدان مادر است که معنای آن بازگشتی جاودانه به اصل وجودی می‌باشد. هم چنین وجود عناصری مانند جام بلورین که تمام پدیده‌های هستی در درون آن‌ها متمرکز است. خورشید و ماه که با شکل دایره ماندانشان نشانی از چرخه‌ی بزرگ خلقت دارد و به نوعی آدمی را به اصل وجودی خود هدایت می‌کند؛ همه نشانه‌هایی قوی از ماندالا هستند که در داستان‌های کودک و نوجوان نمود و بروز پیدا کرده و ارتباط عمیق این داستان‌ها را با کهن الگوها و اساطیر برقرار می‌کنند. بدون شک کاربست این مفاهیم در داستان‌های کودک و نوجوان نقش مهمی در امتداد مفاهیم و معانی عمیق برساخته‌ی بشر در ذهن کودکان دارد.

## منابع

آقاگل‌زاده، فردوس، رضوی‌زاده، اکرم (۱۳۹۰)، ویژگی‌های ساختاری ادبیات داستانی کودکان در زبان فارسی، هفتمین همایش انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، ج ۱.

آموزگار، ژاله (۱۳۷۴)، تاریخ اساطیری ایران، تهران: سمت.

آیدنلو، سجاد (۱۳۸۸)، از اسطوره تا حماسه (هفت گفتار درباره‌ی شاهنامه پژوهی)، تهران: سخن.

آتونی، بهروز (۱۳۸۹)، "نگاره ماندالا، ریختار اسطوره، حماسه اسطوره‌ای و عرفان"، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی. شماره ۲۱. صص: ۲۱-۴۳.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، اسطوره‌ای نو، ترجمه جلال ستاری، تهران: مرکز.

- احمدی، احمد رضا (۱۳۹۲)، مزرعه گل‌های آفتابگردان، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲)، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه‌ی جلال ستاری. تهران: سروش.
- بیدمشکی، مریم (۱۳۸۵) "نقش قصه و تأثیرات تربیتی آن بر کودکان" برگزیده مقالات قصه‌گویی، دومین جشنواره قصه‌گویی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- پاینده، حسین (۱۳۸۵)، نقد دموکراسی ادبی (جستارهایی در نظریه و نقد ادبی). تهران: نیلوفر.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۵۶)، تفسیر و تألیف یشت‌ها، جلد اول، چاپ اول. تهران: اساطیر.
- جنیدی، فریدون (۱۳۸۹)، وسوسه شیطان، تهران: بی‌نا.
- خیرآبادی، رضا، خیرآبادی، معصومه (۱۳۹۶)، "تحلیل روابط معنایی واژگان به کار رفته در ادبیات داستانی کودکان، مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، شماره ۱، صص ۲۳-۴۴.
- دلاشو، م. لوفر (۱۳۶۶)، زبان رمزی قصه‌های پریوار. ترجمه‌ی جلال ستاری. مشهد: انتشارات توس.
- ستاری، جلال (۱۳۷۶) ف پژوهشی در قصه اصحاب کهف. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- سلامی، علی (۱۳۸۴)، گل خندان. تهران: انتشارات پیام محراب.
- سید علی اکبر، سید نوید (۱۳۹۳)، پریزادان درخت سیب، تهران: نشر افق.
- شایگان، داریوش (۱۳۷۱)، بت‌هاب ذهنی و خاطره‌ی ازلی، تهران: امیرکبیر.
- شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۶۴)، ادبیات کودکان، تهران: انتشارات اطلاعات.
- شوالیه، ژان و آلن گریبان (۱۳۷۸)، فرهنگ نمادها، تهران: جیجون.
- عفیفی، رحیم (۱۳۸۳)، اساطیر و فرهنگ ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس.
- فروزانی، مسعود (۱۳۸۸)، "نقد و تحلیل عناصر داستان در گزیده‌ای از داستان‌های کودکان"، ادب پژوهی، شماره ۹، صص ۱۵۱-۱۷۱.
- فرضی، حمید و حاجیه بهزادی (۱۳۹۶)، "تحلیل کهن‌الگویی داستان امیرارسلان بر اساس نظریه‌ی تفرّد یونگ". در مجله‌ی فرهنگ و ادبیات عامه، شماره‌ی ۱۲، صص ۶۵-۸۴.
- کاسیرر، ارنست (۱۳۸۷)، اسطوره و زبان، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: مروارید.

کلههر، فریبا(۱۳۷۷)، مرد سبزپوش شش هزار ساله، تهران: جاویدان.

لوته، یاکوب(۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما، ترجمه امید نیک فرجام، تهران: مینوی خرد.

یاحقی، محمدجعفر(۱۳۸۵)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: جامی.

یاوری، حورا(۱۳۷۰)، "آسمان بر زمین، بازتاب نمادین آرکی تایپ تمامیت و کمال ماندالا در ساختار بیرونی و درونی هفت پیکر". مجله ایران‌شناسی، شماره ۱۱، صص: ۵۴۸-۵۶۶.

یوسفی، محمدرضا(۱۳۹۱)، ماه پیشمونی، تهران: پیدایش.

یونگ، کارل گوستاو(۱۳۷۷)، انسان و نمادهایش، ترجمه محمود سلطانیه، تهران: جامی.